

رویکرد واقع گرایانه ایران به خزر

حمید ضیایی پرور hziaiy@yahoo.co.uk

اعلام موافقت ایران با تقسیم کامل دریای خزر میان ۵ کشور ساحلی آن، تحول بزرگی در موضع دیپلماسی ایران نسبت به رژیم حقوقی خزر محسوب می شود این تغییر موضع از زوایای مختلف در ارتباط با منافع ملی ایران قابل ارزیابی است. پیش از هر چیز باید اذعان کرد که پذیرفتن اصل تقسیم، نوعی رویکرد واقع گرایانه در سیاست خارجی ایران به شمار می رود. چرا که در حال حاضر با قراردادهای دوجانبه و سه جانبه میان روسیه با آذربایجان و قزاقستان بخش شمالی خزر عملاً میان آن ۳ کشور تقسیم شده است و عملاً تنها بخش جنوبی خزر بلا تکلیف مانده است که با توجه به نزدیکی نسبی دیدگاههای ایران و ترکمنستان، می توان گفت مشکل سازترین بخش ماجرا، دیدگاههای متضاد ایران و آذربایجان است. تاکنون ۹ دور مذاکره میان تهران و باکو بر سر تقسیم خزر صورت گرفته است که نتیجه ای در بر نداشته است.

نقطه کانونی چالش دو کشور تعیین مرز دریایی در خزر است. ایران بر سهم ۲۰ درصدی خود از خزر پای می فشارد، اما این ۲۰ درصد با هر ملاکی تقسیم شود، مناطقی از حوزه های نفتی البرز را داخل محدوده آبهای داخلی ایران قرار خواهد داد و باکو دقیقاً به همین علت از پذیرش سهم ۲۰ درصدی ایران سرباز می زند. باکو مدعی است بطور سنتی در طول چند دهه گذشته در این منطقه فعالیت نفتی داشته است، ۲ سال پیش هنگامیکه کشتی های کمپانی نفتی انگلیسی BP تحت هدایت باکو وارد منطقه مذکور شدند تا عملیات مطالعات اکتشافی انجام دهند، با اختطار جنگنده های نیروی هوایی و دریایی ارتش ایران مجبور به ترک منطقه شدند.

ایران براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، با چنگ و دندان



از حقوق خود در منطقه ۲۰ درصدی خزر دفاع کرده است، اما به دلایل ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خزر جنوبی، هنوز موفق به عملیات استخراج نفت از مناطق مذکور نشده است اگرچه قراردادی با یک شرکت سوئدی منعقد کرده و کار نصب سکوهای نفتی در خزر جنوبی آغاز شده است، اما این عملیات به کندی پیش می‌رود.

چندی پیش ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه روسیه در امور خزر به ایران آمد و رسماً پیشنهاد داد تا ایران به پروسه تقسیم خزر بپیوندد و قراردادهای دوجانبه با ترکمنستان و آذربایجان امضا کند، او حتی از ایران خواست تا در کنسرسیوم روسی-ترکمنی بهره‌برداری از حوزه نفتی ترکمنستان در خزر مشارکت نماید. از ایران صداهای متعددی برخاست، برخی همچنان بر طبل قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ کوبیدند، برخی از سهم ۵۰ درصدی سخن گفتند و عده‌ای رژیم مشاع را پیشنهاد کردند، اما مشخص بود که این موضع‌گیرها در یک فضای سورئالیستی و غیرواقعی ابراز می‌شد و هرگز با واقعیتهای منطقه منطبق نبود.

موضع جدید ایران که گامی در جهت حل و فصل مناقشه خزر

محسوب می‌شود حاوی ۲ مولفه است:

۱- پذیرش تقسیم خزر

۲- تأکید بر سهم ۲۰ درصدی ایران

روسیه بعنوان برادر بزرگتر کشورهای وارث شوروی سابق و همسایه موثر خزر، از بخش اول موضع ایران استقبال کرده اما بخش دوم را نفی کرده است. کالیوژنی در تازه ترین موضع گیری خود که دیروز صورت گرفت گفت: روسیه با دیدگاه ایران در باره چگونگی تقسیم خزر موافق نیست در دیدگاه ایران نسبت به تعیین رژیم حقوقی خزر نظرات سازنده ای وجود داشت اما پس از ادعای ایران مبنی بر تخصیص ۲۰ درصد از دریا به این کشور، تمام آن پیشنهادها از بین رفت.

اکنون به نظر می رسد برای جا انداختن نظریه سهم ۲۰ درصدی ایران، نیاز به فربه کردن بدنه کارشناسی ایران وجود دارد. کارشناسان حقوق بین الملل در مورد شیوه هایی که بتوان با اتکاء به آن خطوط تقسیم خزر جنوبی را به گونه ای ترسیم کرد که بیشترین سهم ممکن را نصیب ایران کند و در عین حال از پشتوانه حقوقی برخوردار باشد، راه حلها و نظریات متعددی ارائه داده اند. دستگاه دیپلماسی ایران تا اجلاس بعدی خزر که به گفته کالیوژنی تقریباً ۱۲ ماه دیگر تشکیل خواهد شد بایستی تمام تمرکز خود را بر این مسئله متمرکز کند.

در کنار آن، نقد کارشناسی دیدگاههای روسیه و آذربایجان باید در دستور کار محافل علمی، دانشگاهی و رسانه ای ایران قرار گیرد.

کالیوژنی در آخرین مصاحبه خود بعد از سفر به ایران، این دیدگاه را مطرح کرد که چون تنها منبع رشد و توسعه ۳ کشور منشعب از شوروی در ساحل خزر، منابع نفت و گاز خزر است ولی ایران دارای منابع غنی نفت و گاز در جنوب و خلیج فارس است، باید سهم بیشتری به آن کشورها از خزر اختصاص یابد!

آیا این دیدگاه قابل نقد نیست؟!